



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

## POLITICO

تردید انگلیسی  
در تروریستی خواندن سپاه

دولت انگلیس اعلام کرده در میان نگرانی‌ها از قطع روابط دیپلماتیک میان لندن و تهران، قصد ندارد با درخواست‌ها برای قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست به اصطلاح «تروریستی» این کشور موافقت کند. چهره‌های دولتی گفته‌اند «ایوت کوپر» وزیر کشور انگلیس تمایلی به این کار ندارد. این در حالی است که حزب کارگر انگلیس پیش از رسیدن به قدرت بارها خواستار چنین اقدامی از سوی دولت محافظه‌کار شده بود. سپاه پاسداران که از سوی سازمان ملل به عنوان یکی از شاخه‌های نظامی اصلی ایران به رسمیت شناخته می‌شود، طی اقدامی ضدایرانی، از سوی آمریکا، کانادا و سوئد در فهرست موسوم به «سازمان‌های تروریستی» این کشورها قرار گرفته است. پیشتر، پارلمان اروپا از اتحادیه اروپا خواسته بود تروریستی نامیدن سپاه پاسداران را در دستور کار قرار دهد اما «جوین بول» مسئول سرویس اقدام خارجی اتحادیه اروپا گفته بود این کار بدون مبنای قانونی امکان‌پذیر نیست و باید دادگاهی در یکی از کشورهای عضو حکمی مبنی بر انجام شدن فعالیت‌های تروریستی از سوی سپاه پاسداران صادر کند. چندین منبع مطلع دولتی به پل‌تیکو گفته‌اند که وزرای حزب کارگر در دولت به دلیل نگرانی از اینکه چنین اقدامی منجر به اخراج دو جانبه سفرا از سوی تهران و لندن و قطع روابط دیپلماتیک شود، با این اقدام علیه سپاه پاسداران مخالف است. سپاه پاسداران تحت تحریم‌های دولت انگلیس قرار دارد و قرار دادن نام سپاه پاسداران در فهرست تروریستی، اقدامی خواهد بود که بیشتر جنبه نمادین دارد. مقامات دولتی انگلیس می‌گویند چنین اقدامی منجر به از مسیر خارج کردن روابط دیپلماتیک میان دو کشور خواهد شد. یکی از مقامات دولت انگلیس به شرط فاش نشدن هویت خود گفت که خدمات کشوری انگلیس «مدام به حزب کارگر گفته است که وقتی در جایگاه اپوزیسیون نیز این درخواست را مطرح کردند، در دوره‌ی قرار داشتند و دو دل بودند». یک مقام ارشد وزارت امور خارجه انگلیس نیز در اظهاراتی علیه سپاه پاسداران گفت: «اعضای سپاه پاسداران تروریست نیستند. مانند روسیه، بهتر است به جای آنکه تظاهر کنیم چیز دیگری هستند، آن‌ها را برای آنچه هستند، تنبیه کنیم. در برهه‌ای که ایران چنین خطر بزرگی برای جهان ایجاد می‌کند، می‌خواهیم در تهران سفارت داشته باشیم». نمایندگان پارلمان انگلیس از حزب محافظه‌کار نیز در زمان نخست‌وزیری «ریشی سوناک» خواستار تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران در آوریل گذشته شده بودند. در بیانیه حزب کارگر مطرح شده بود که این حزب در دولت روش‌های تحریم کردن کشورهای حامی تروریسم را بررسی خواهد کرد اما هیچ پیشنهادی مطرح نشد. مقامات دولتی انگلیس بر این باورند که به دلیل نقش انگلیس در ترغیب تهران به تنش‌زدایی در منطقه و آنچه «تعمیق درگیری میان اسرائیل و نیروهای نیابتی ایران در لبنان و غزه» تلقی شده، از هم‌گسستن روابط دیپلماتیک تهران و لندن نابه‌هنگام خواهد بود. «صنم وکیل» مدیر برنامه غرب آسیا در اندیشکده «چتم هائوس» گفت: «اقدامات سیاسی کوتاه‌مدتی مانند این به نظر می‌رسد که واکنش‌دار و کم‌هزینه باشند اما پیامدهای بلندمدت این اقدامات باید بررسی شوند». به گفته او «حفظ روابط دیپلماتیک با جمهوری اسلامی ایران در عین دشواری بودن، ضرورت دارد، چراکه برای مدیریت مجموعه‌ای از مسائلی که دولت‌های بین‌المللی در ارتباط با ایران با آن مواجهند، به آن نیاز است». دولت انگلیس ترجیح می‌دهد تحریم‌ها علیه سپاه پاسداران را افزایش دهد. «آنتونیو جیوستوزی» محقق ارشد موسسه «روسی» گفت که تحریم‌های بیشتر علیه نهادهای ایرانی، «اساساً ظاهرسازی خواهد بود، به‌ویژه اگر دیگر کشورهای اروپایی این کار را نکنند». به گفته او، «هیچ پیامد چشمگیری در هیچ‌یک از این اقدامات نخواهد بود؛ سپاه پاسداران مهارت‌های پیشرفته‌ای در شکست دادن تحریم‌ها و دور زدن ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها به دست آورده است.» یک سخنگوی دولت انگلیس نیز گفت: «ما و شرکای بین‌المللی مان به همکاری برای شناسایی تهدیدهای ایران، جلوگیری از آن و پاسخ به آن به همکاری‌ها ادامه می‌دهیم.» او افزود: «به همین دلیل است که ما به انجام دادن اقدامات مقتدرانه و پاسخگو کردن حکومت ایران ادامه می‌دهیم. ما بیش از ۴۰۰ فرد و نهاد ایرانی، از جمله کلیت سپاه پاسداران را تحریم کرده‌ایم.»



تصویر: واشینگتن پست

## ارزیابی عملکرد محور مقاومت در هماهنگی با ایران پس از طوفان الاقصی

واشنگتن پست و نیویورک تایمز منتشر شده، واقعیت روی زمین نشان می‌دهد که نخستین ضربه به انسجام این محور زمانی زده شد که کتاب عزالدین قسام به عنوان شاخه نظامی جنبش حماس تصمیم گرفت تا بدون آنکه حتی اعضای دفتر سیاسی خود را از آنچه طوفان الاقصی لقب گرفت مطلع کند، عملیات خود را اجرایی کند. به همین ترتیب، دیگر هسته‌های مقاومت و به طریق اولی، رکنی که در سال‌های گذشته کمک‌های مالی و لجستیکی فراوانی را در اختیار این گروه قرار داده است نیز از تصمیمات رهبرانی همچون فلسطینی حاضر در نوار غزه از جمله یحیی السنوار و محمد ضیف، فرمانده گردان‌های عزالدین قسام بی‌اطلاع بودند. این بی‌اطلاعی رهبران ایران در ابتدا حتی برای متحدین تهران نیز قابل باور نبود و به تبع آن غرب نیز انگشت اتهام خود را به سمت جمهوری اسلامی ایران گرفت. با گذشت چند هفته از جنگ در غزه اما، حتی نهادهای اطلاعاتی آمریکایی نیز به این واقعیت اذعان کردند که «رهبران کلیدی ایران از حمله ۷ اکتبر حماس غافلگیر شدند».

## حزب‌الله لبنان

در نخستین قدم، حزب‌الله لبنان در هفته‌های نخست، با حملاتی محدود، بخشی از خاک اشغالی خود شامل مزارع شبعا و تپه‌های کفرشرا را با هدف

مختلف، هر کدام از این ارکان جبهه واحد، به صورت انفرادی یا با همراهی یک یا دو رکن دیگر، عملکردهای مختلف و قابل قبولی را از خود به جای گذاشته‌اند؛ جنگ ۲۰۰۶ حزب‌الله لبنان و اسرائیل، مبارزه با معارضین دولت سوریه از سوی ایران و حزب‌الله، شکل‌گیری حشد الشعبی متشکل از گروه‌های عراقی و همراهی آن‌ها با ایران و حزب‌الله در مبارزه با داعش و همچنین مبارزه انصارالله یمن با ائتلاف عربستان با همراهی آمریکا، هر کدام به وزن این جبهه به رهبری ایران در معادلات منطقه افزوده است.

آنچه در ۱۷ اکتبر سال گذشته رخ داد اما، خیلی زود پای تمامی این ارکان را بسته به توان و اراده میزان مداخله‌شان، به میدان نبرد کشاند. حزب‌الله لبنان در ۸ اکتبر و پس از آن انصارالله و سپس گروه‌های عراقی به صحنه نبرد پیوستند. سوریه نیز با توجه به حضور نیروهای مستشاری نیروی قدس سپاه پاسداران عملاً بخشی از میدان بوده و بارها هدف حمله جنگنده‌های اسرائیلی به مناطقی از دمشق و فرودگاه آن قرار گرفته است. با مرور تحولات این یک سال اما شاید حالا فرصت مناسبی باشد که به عملکرد این محور هم‌پیمان به صورت هسته‌های مقاومت و به‌عنوان یک کل منسجم بنگریم و آن را ارزیابی کنیم. به‌رغم تبلیغات غربی‌ها در هفته‌های نخست پس از عملیات حماس و همچنین گزارشی که به‌تازگی در دو رسانه آمریکایی

## قاسم مجبعلی مدیرکل اسبق وزارت امور خارجه در گفت‌وگو با هم‌میهن:

## ارکان محور مقاومت هم منافع خودشان را دارند

گروه‌ها، نیابتی‌های تهران نامیده می‌شوند؛ اگر این یک‌سال را از منظر این ارکان محور مقاومت بدانیم، آیا عملکرد آن‌ها را می‌توان به عنوان اجزایی از یک کل منسجم تعریف کرد؟

باید به این موضوع به‌صورت نسبی نگاه شود؛ همه این گروه‌ها دارای منافع ملی یا قومی یا مذهبی در کشور خود هستند. برای مثال حوثی‌های یمن تقابلی تاریخی با قبایل اهل سنت و عربستان دارند و از ارتباطشان با ایران برای دستیابی به برتری خود استفاده می‌کنند. شیعیان لبنان نیز با اهل سنت و مسیحی‌ها در رقابت هستند و پس از مداخله نظامی اسرائیل در این کشور نیز، با این چالش نیز مواجه شدند و میان حزب‌الله و ایران سودی دوطرفه برقرار است به این معنا که آن‌ها از حمایت ایران برای برتری در

قاسم مجبعلی، دیپلمات بازنشسته و مدیرکل اسبق خاورمیانه وزارت امور خارجه در گفت‌وگو با هم‌میهن گفت: «ارکان محور مقاومت تا زمانی که در همراهی با ایران، منافع خودشان حفظ شود، به آن پایبند هستند و با تهران همراهی می‌کنند اما زمانی که منافع شان با ایران هم‌راستا نباشد، طبیعی است که این همراهی وجود نخواهد داشت».

جمهوری اسلامی ایران برای نزدیک به ۴ دهه، سرمایه‌گذاری سادی و معنوی بالایی را بر روی گروه‌های آزادیخواه و مقاومت در منطقه صورت داده است تا جایی که در ادبیات سیاسی، این

نگاه  
کارشناسی